

نقش معماران و باستان‌شناسان غربی در مرمت بناهای تاریخی ایران در دوران پهلوی (۱۳۵۷-۱۳۰۴)

سارا مهدبیزاده^۱، پیروز حناچی^۲

^۱ استادیار دانشکده معماری، شهرسازی و هنر اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

^۲ استاد دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۱۱/۱۰، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۵/۹/۳)

چکیده

تاکنون تحقیقاتی در مورد فعالیت‌های حفاری باستان‌شناسان غربی در محوطه‌های تاریخی ایران، انجام شده است. اما در این پژوهش کوشش می‌شود، نقش معماران و باستان‌شناسان غربی در مرمت بناهای تاریخی در دوران پهلوی (۱۳۵۷-۱۳۰۴) مورد بررسی انتقادی قرار گیرد. ارزست هرتسفلد، آندره گدار، آرتور پوپ و ماکسیم سیرواز اولین کارشناسان غربی بودند که توسط «انجمن آثار ملی» دعوت به همکاری شدند. در این راستا، مقاله‌ی حاضر با اتخاذ روش تحقیق تفسیری-تاریخی به نقد و بررسی فعالیت‌های این افراد در حوزه مرمت و حفاظت آثار تاریخی ایران می‌پردازد. به دلیل عدم وجود منابع مدون و کافی در خصوص موضوع پژوهش، علاوه بر منابع ثانویه، داده‌های اولیه نیز در این نوشتار مورد تحلیل قرار گرفته است. این داده‌ها شامل: سخنرانی‌ها و خاطرات اعضای انجمن آثار ملی، روزنامه‌های قدیمی، متون تاریخی، اساسنامه‌های انجمن آثار ملی، و اسناد دولتی و رسمی می‌باشد. با استناد به برخی از مدارک و اسناد تاریخی که تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته است، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که فعالیت‌ها و دیدگاه‌های این کارشناسان غربی، نقش مهمی را در سیاست‌های اعمال شده دولت مردان حکومت پهلوی در خصوص حفاظت و یا تخریب بناهای تاریخی ایران داشته است.

واژه‌های کلیدی

مرمت، بناهای تاریخی، انجمن آثار ملی، کارشناسان غربی، دوران پهلوی.

مقدمه

«ایران» و تشکیل «انجمن آثار ملی»، از دیگر اهداف رضاخان در جهت بزرگداشت شکوه ایران باستان بود. با تشکیل «انجمن آثار ملی» در سال ۱۳۰۱، کارشناسان خارجی نیز به ایران دعوت شدند و در برنامه‌های سیاسی - اجتماعی رضاخان به صورت مستقیم یا غیرمستقیم دخالت داشتند. اگرچه تاکنون تحقیقاتی در مورد فعالیت‌های حفاری باستان‌شناسان غربی در محوطه‌های تاریخی ایران، منتشر گردیده است (Abdi, 2001; ملک شهیری، ۱۳۶۵)، اما در این پژوهش کوشش می‌شود، به نقش معماران و باستان‌شناسان غربی در مرمت بناهای تاریخی در دوران حکومت پهلوی اشاره گردد. در ابتدا، پس از ذکر مقدمه‌ای کوتاه در خصوص رویکرد پادشاهان قاجار به آثار و بناهای تاریخی، چگونگی تشکیل «انجمن آثار ملی» در سال ۱۳۰۱ توضیح داده می‌شود و به دلایل دعوت به همکاری معماران و باستان‌شناسان غربی اشاره می‌گردد. سپس دامنه فعالیت‌ها و دیدگاه‌های این کارشناسان خارجی بر سیاست‌های اعمال شده دولت مردان دوره پهلوی در خصوص حفاظت و مرمت از بناهای تاریخی ایران، مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

در زمان حکومت محمدعلی شاه قاجار (۱۲۸۸-۱۲۸۵)، بر طبق قرارداد ۱۹۰۷ م.، ایران به دو قسمت بین روسیه و بریتانیا تقسیم گردیده بود که این امر موجب خشم ملی‌گرایان و مشروطه‌خواهان شد (Abdi, 2001, 55). دخالت‌های بریتانیا و روسیه در همه امور داخلی ایران و ضعف پادشاهان قاجار در اداره کشور، منجر به شکل‌گیری کودتای سال ۱۲۹۹ گردید. با تاج‌گذاری رضاخان در سال ۱۳۰۵ و شروع حکومت پهلوی، ایران وارد دوره‌ای از سریع‌ترین تغییرات و اصلاحات سیاسی - اجتماعی گردید. از یک سو، رضاخان تصمیم داشت کشورهای اروپایی را الگوی ایران مدرن قرار دهد و سنت‌های مذهبی را ریشه‌کن کند و از سوی دیگر می‌خواست دوران پهلوی جدید را بر اساس ایران باستان قبل از اسلام تصویر نماید (Avery et al., 1991, 232).

ایجاد خیابان‌های آسفالت، راه‌آهن، ساختمان‌های اداری نوین، مدارس، دانشگاه، سینما، موزه و... از اقدامات رضاخان در مسیر همانندسازی ایران به کشورهای اروپایی بود. همچنین انتخاب نام «پهلوی» برای حکومت جدید، که زبان پیش از اسلام در ایران بود، تغییر نام کشور در محافل بین‌المللی از «پرشیا» به

روش تحقیق

در این زمینه، محدود به کشف عتیقه و حفاری در محدوده‌های باستانی بود که خود این امر منجر به نابودی بیشتر آثار تاریخی می‌گردید. در این میان، اگر بنای تاریخی‌ای بر حسب مورد مرمت می‌شد، عمدتاً بناهای مذهبی، مانند مساجد و اماکن متبرکه بود که توسط گروهی از مردم و در مواردی به فرمان بعضی از شاهان قاجار یا اشخاص صاحب نام مرمت می‌گردید. به عنوان مثال جورج کروزن انگلیسی که در زمان قاجار از بریتانیا به ایران سفر کرده بود، عنوان می‌کند که «باغ‌ها و کاخ‌های سلطنتی شاهان پیشین به صورت زمین بایر رها شده است و اگر مکانی در موقعیت قابل قبولی قرار دارد، نتیجه کار افراد شخصی، مانند بازرگانان است که برای به دست آوردن شهرت و یا ثواب حاصل از دعای زیارت کنندگان، انجام داده‌اند» (Curzon, 1966, 449). به طور کلی به غیر از ناصرالدین شاه که اعتمادالسلطنه در کتاب الامثال‌الآثار، مرمت بیش از یک صد بنای تاریخی به او را نسبت داده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳)، دیگر پادشاهان قاجار، اقدامی برای حفظ و مرمت بناهای دوره‌های پیش از خود انجام نداده‌اند. به عنوان مثال، آقامحمد خان قاجار، دستور داد تا ستون‌های عمارت وکیل شیراز را برای تکمیل تخت مرمر (کاخ گلستان) به تهران آورند. فتحعلی شاه تصویر خود را در نقش برجسته‌های ساسانی شهری حک کرد و هم‌چنین از مصالح گنبد سلطانی در قصر تابستانی خود استفاده کرد. ظل‌السلطان، پسر ناصرالدین شاه، بسیاری از باغ‌ها و عمارت‌های با شکوه

این پژوهش، مبتنی بر روش تحقیق تفسیری-تاریخی می‌باشد. در این روش، «محقق تفسیری باید به تناوب به یافته‌های تحقیق صورتی روایتی بدهد و در روند انجام تحقیق یافته‌ها را با ذهنی تحلیلی و شیوه‌ای روایتی سازمان دهد» (گروت و وانگ، ۱۳۸۶، ۱۳۸). در روش تفسیری-تاریخی، عموماً یافته‌ها از طریق بررسی داده‌های اولیه مانند اسناد و مدارک به دست می‌آیند. داده‌های اولیه به اطلاعاتی گفته می‌شود که در حین انجام تحقیق به دست می‌آیند (Bell, 1999, 125) و محقق برای اولین بار این یافته‌ها را نقد و بررسی می‌نماید. به دلیل عدم وجود منابع مدون و کافی در خصوص موضوع این پژوهش، علاوه بر منابع مکتوب، داده‌های اولیه در این تحقیق بررسی شده است که از آرشیو و کتابخانه‌های مختلف واقع در ایران (مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، کتابخانه و موزه ملی ملک) و آمریکا (کتابخانه کنگره آمریکا)، گردآوری شده است. این داده‌ها شامل: سخنرانی‌ها و خاطرات اعضای انجمن آثار ملی مانند عیسی صدیق، روزنامه‌ها، متون تاریخی، اسانامه‌های انجمن آثار ملی، و اسناد دولتی و رسمی می‌باشند.

چگونگی تشکیل انجمن آثار ملی

در زمان حکومت قاجار (۱۳۰۴-۱۱۷۴)، آثار و بناهای تاریخی به عنوان میراث فرهنگی و سرمایه ملی شناخته نمی‌شد. فعالیت

ارنست هرتسفلد

ارنست هرتسفلد^۲، باستان‌شناس آلمانی و رئیس موسسه آثار عتیقه شرقیه آلمان برای تصدی شغل مدیریت موزه آثار باستانی و کتابخانه ملی از طرف انجمن آثار ملی دعوت به همکاری شد (Grigor, 2009, 23). هرتسفلد، اولین اروپایی بود که رساله دکترایش را در مورد تمدن شرق نزدیک و با تاکید بر محوطه تاریخی پاسارگارد در سال ۱۹۰۷ م. به اتمام رسانده بود (Gunter & Hauser, 2005). در سند منتشر شده در کتاب «اسنادی از باستان‌شناسی در ایران»، محسن فروغی به تیمورتاش هدف از دعوت کردن هرتسفلد را، استفاده از توانایی‌های او در تاسیس کتابخانه و موزه ملی کاخ گلستان عنوان می‌نماید (موسوی، خانیکی و مسجد جامعی، ۱۳۸۰).

هرتسفلد در سال ۱۳۰۶، به مدت سه سال و با حقوق سالیانه هفت هزار و دو بیست تومان به عنوان اولین کارشناس خارجی به استخدام دولت ایران درآمد. در روزنامه اطلاعات سال ۱۳۰۶، هدف از استخدام هرتسفلد را «برای معلمی السنه قدیم و تاریخ قدیم ایران و جغرافیای تاریخی» بیان می‌کند و گزارش می‌دهد که او برای تحقیقات تاریخی بین سال‌های ۱۹۱۱-۱۹۲۰ چندین بار^۳ به ایران سفر کرده است (روزنامه اطلاعات، ۳ تیرماه ۱۳۰۶). لایحه استخدام هرتسفلد، در ۳ خرداد ۱۳۰۷ به تصویب مجلس شورای ملی رسید (شفا، ۱۳۵۶، ۶۶). هیات موسس انجمن که متمایل به استفاده از «علم متخصصین ایران شناس» آمریکایی و اروپایی بود (مجموعه انتشارات قدیم، ۱۳۵۱، ۱۴)، ابتدا از هرتسفلد خواست، تا به تهیه فهرستی از بناها و محوطه‌های تاریخی اقدام کند. این فهرست در سال ۱۳۰۴ در نشریه شماره ۸۰ اثر تاریخی بود (بحرالعلوم، ۱۳۵۵، ۵).

بعد از دعوت هرتسفلد به ایران، توجه فرانسوی‌ها به رقیب آلمانی خود جلب شد. دولت فرانسه به تیمورتاش اعلام کرد که فرانسه در ازای دادن حق مدیریت عتیقه جات و کتابخانه ملی به یک فرانسوی برای چهار دوره پنج ساله، یعنی به مدت بیست سال متوالی، با لغو «قرارداد ۱۹۰۰» موافقت می‌نماید (Grigor, 2009, 23). روزنامه اطلاعات سال ۱۳۰۶ با عنوان «قرارداد ۱۹۰۰ خود به خود ملغاً می‌شود» گزارش می‌دهد:

برای اینکه (ایران) به دولت جمهوری (فرانسه) نشان دهد که صمیمانه مایل است یک نفر عالم فرانسوی در مدت خیلی بیشتری عهده‌دار مشاغل مذکور (مدیریت کل عتیقه جات و کتابخانه‌ی موزه) باشد، از حالا وعده می‌دهد که پس از انقضای پنج سال، اقلاً سه دفعه دیگر استخدام یک نفر متخصص فرانسوی را برای همان شغل پیشنهاد نماید، اقلاً به مدت ۲۰ سال (روزنامه اطلاعات، ۳ تیر ۱۳۰۶).

بنابراین تیمورتاش با قرار دادن دو رقیب آلمانی و فرانسوی در مقابل یکدیگر، توانست باعث لغو «قرارداد ۱۹۰۰» شود^۴. اگرچه مصطفوی، تلاش‌های فرج الله آق اولی، نماینده خوزستان و یکی از اعضای هیات موسس انجمن آثار ملی و سید محمد تقی

اصفهان را تخریب نمود. مظفالدین شاه نیز با انعقاد «قرارداد ۱۹۰۰»، حق انحصاری فعالیت‌های باستان‌شناسی را به مدت ۶۰ سال به دولت فرانسه داد. مجموعه این سهل‌انگاری‌ها و به خصوص قرارداد ۱۹۰۰، باعث خشمگین شدن ملی‌گرایان و روشنفکران شد.

پس از روی کار آمدن رضاخان و با شروع حکومت پهلوی، حفاظت بناها و آثار تاریخی، مضمون سیاسی به خود گرفت و وسیله‌ای برای تحکیم بخشیدن قدرت رضاخان گردید. دو سال پس از کودتای سال ۱۲۹۹، گروه روشنفکران متشکل از شخصیت‌های فرهنگی و تحصیل کرده در دانشگاه‌های غربی، «انجمن آثار ملی» را در سال ۱۳۰۱ تشکیل دادند.

بر طبق ماده ۳ از اساسنامه «انجمن آثار ملی»، انجمن از ۱۵ عضو اصلی تشکیل می‌یافت. در ابتدای تاسیس، اعضای انجمن را عبدالحسین تیمورتاش (وزیر دربار)، حسن پیرنیا (نخست وزیر سابق دوره قاجار و اوایل پهلوی)، محمد علی فروغی، حسن اسفندیاری، ابراهیم حکیمی، فیروز میرزا فیروزوارباب کیخسرو شاهرخ تشکیل می‌دادند (بحرالعلوم، ۱۳۵۵، ۳). دیگر اعضای عالی رتبه انجمن آثار ملی شامل: حسن مصطفوی، حاج سید نصرالله تقوی و سید حسن تقی‌زاده بودند. با توجه به درخواست انجمن در سال ۱۳۰۴، رضاخان، که در آن زمان نخست وزیر دربار قاجار بود، ریاست انجمن را پذیرفت (نگهبان، ۱۳۷۶، ۴۲). انجمن، بعدها افراد دیگری از جمله عیسی صدیق، سعید نفیسی، سپهبد فرج الله آق اولی و علی اصغر حکمت را به عضویت پذیرفت. بیشتر اعضای انجمن بر این عقیده بودند که پادشاهان قاجار باعث عقب ماندگی کشور ایران شدند و برای جبران این دوران و به ارمان آوردن «ایران مدرن و قدرتمند»، همانند دوره هخامنشیان و ساسانیان، باید دین زرتشت زنده نگاه داشته شود و بناها و آثار تاریخی به خصوص دوره قبل از اسلام که یاد آور دوران شکوه و عظمت ایران است، مرمت و حفاظت گردند. اهداف اولیه انجمن آثار ملی شامل تاسیس یک موزه در تهران، ایجاد یک کتابخانه در تهران، ثبت و طبقه‌بندی آثاری که حفظ آن به عنوان آثار ملی لازم است، صورت‌برداری از مجموعه‌های نفیس مربوط به کتابخانه (بحرالعلوم، ۱۳۵۵، ۱۴)، و از همه مهم‌تر بزرگداشت مشاهیر تاریخی و ساختن آرامگاه برای آنها مانند فردوسی و حافظ بود. بر طبق ماده ۷ از اساسنامه، «انجمن آثار ملی» برای پیشبرد اهدافش، از معماران و باستان‌شناسان غربی دعوت به عمل آورد، که در بخش بعدی به آن اشاره می‌گردد.

نقش معماران و باستان‌شناسان غربی در مرمت و حفاظت بناهای تاریخی

ارنست هرتسفلد، آندره گدار، آرتور پوپ و ماکسیم سیرواز اولین کارشناسان غربی بودند که توسط «انجمن آثار ملی» دعوت به همکاری شدند. در این بخش به توضیح فعالیت‌ها و نقش این افراد در زمینه مرمت و حفاظت آثار تاریخی ایران پرداخته می‌شود.

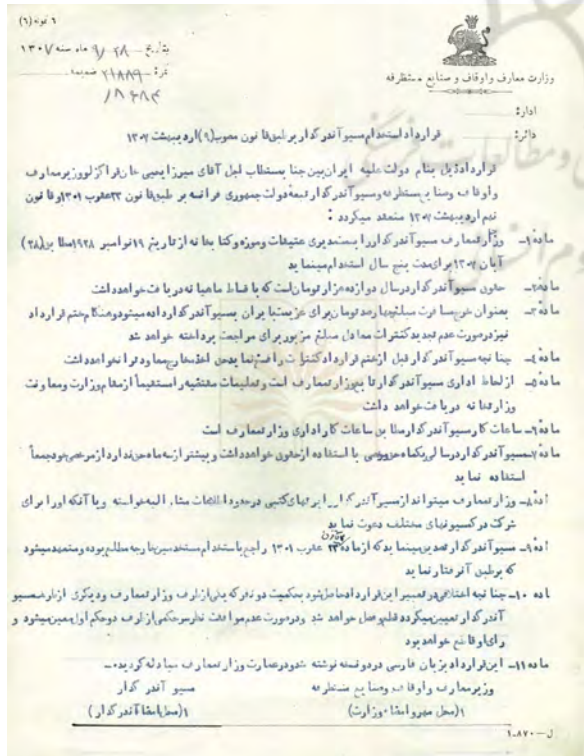
از تخت جمشید و پاسارگارد نیز بازدید می‌نماید و هرتسفلد، قطعه‌ای از نقوش برجسته پلکان مرکزی تخت جمشید را بدون اجازه نمایندگان دولت پهلوی، به او اهدا می‌کند. همچنین اسناد منتشر نشده در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، نشان می‌دهد که هرتسفلد به سرقت آثار عتیقه به غرب متهم شده بود (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۸۳۹۰/۲۳۰). مجموعه این اقدامات منجر به ترک همیشگی هرتسفلد از ایران، در سال ۱۳۱۴ می‌گردد (افسر و موسوی، ۱۳۵۵، ۱۰۹).

آندره گدار

همانطور که اشاره شد، آندره گدار در سال ۱۳۰۷ وارد ایران شد و با حقوق سالیانه ۱۲ هزار تومان به استخدام دولت ایران درآمد (تصویر ۲). پس از تاسیس «انجمن آثار ملی»، نخستین اقدام جدی در زمینه حفاظت از بناها و محوطه‌های تاریخی، ایجاد «قانون عتیقات» در سال ۱۳۰۹ بود. این قانون، ترجمه بخشی از قوانین اروپایی بود. بنا به گفته عیسی صدیق، آندره گدار در تنظیم آن نقش عمده‌ای داشت. به موجب ماده ۲ از «قانون عتیقات»، دولت مکلف بود تا آنچه شایسته ثبت در فهرست آثار ملی شناخته می‌شود را به وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه پیشنهاد کند تا پس از تصویب وزیر معارف ثبت اثر در فهرست آثار ملی، صورت قطعی پیدا کند. اگرچه به علت خصومت و دشمنی گروه روشنفکران و مخصوصاً رضاشاه^۸ با پادشاهان قاجار، بناهای تاریخی‌ای که تا قبل از دوران قاجار ساخته شده بود، یعنی تا پایان دوره زندیه (۱۱۷۳)، جزء آثار ملی

تدین وزیر فرهنگ وقت را در لغو امتیاز فرانسوی‌ها تأثیرگذار می‌داند (مصطفوی، ۱۳۳۴، ۳۷). دولت فرانسه، آندره گدار،^۵ معمار و باستان‌شناس فارغ‌التحصیل از مدرسه بوزار پاریس، که در آن زمان به همراه همسرش، مشغول حفاری در افغانستان بود، را به دولت ایران برای جایگزینی شغل هرتسفلد، معرفی می‌کند (تصویر ۱). سرانجام گدار با تأیید حسین اعلا، سفیر وقت ایران در فرانسه (افسر و موسوی، ۱۳۵۵، ۷۹) در سال ۱۳۰۷/۱۹۲۹ م. وارد ایران می‌شود. بنابراین، حفاری‌های تخت جمشید و پاسارگارد، منوط به نظارت و کنترل متخصصین ایرانی، به هرتسفلد سپرده می‌شود. همچنین او به عنوان یکی از اعضای افتخاری «انجمن آثار ملی» معرفی می‌گردد.

هرتسفلد، در سال ۱۳۰۶ در سخنرانی دوم خود به زبان فارسی، گزارشی را در خصوص اهمیت آثار تاریخی اصفهان و تخت جمشید ارائه می‌نماید (مجموعه انتشارات قدیم، ۱۳۵۱، ۶۷). هرتسفلد عنوان می‌نماید که در کتیبه‌های هخامنشی واژه «آریانام خاشترام» نشان از امپراتوری آریان دارد. بعد از ایراد این سخنرانی، رضاخان در سال ۱۳۱۳، دستور می‌دهد تا نام ایران در محافل بین‌المللی از «پرشیا» به «ایران»^۶ تغییر یابد. سندی منتشر نشده در آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران نشان می‌دهد که در سال ۱۳۰۷، انجمن آثار ملی از هرتسفلد درخواست می‌کند، گزارشی راجع به تخت جمشید دهد (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۱۵۸۵۵/۲۴۰). در سال ۱۳۰۹، هرتسفلد با دادن گزارشی از تخت جمشید، توجه رضاخان را به آن جلب کرد و حفاری‌های علمی توسط گروه‌های آلمانی، آمریکایی و ایرانی آغاز گردید. کشف لوح‌های سیمین و زرین در حفاری‌های تخت جمشید در سال ۱۳۱۲ که رضاخان از آن به عنوان «قباله ایران» نام می‌برد، از مهم‌ترین کاوش‌های باستان‌شناسی هرتسفلد بود (مقتدر، ۱۳۳۵، ۴۹). اقدامات این باستان‌شناس تا سال ۱۳۱۳ ادامه یافت. در همان سال ولیعهد سوئد ضمن سفر به ایران،



تصویر ۲- سند قرارداد استخدام آندره گدار در سال ۱۳۰۷. ماخذ: (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره: ۸۶۸۴/۲۱۸۸۹)

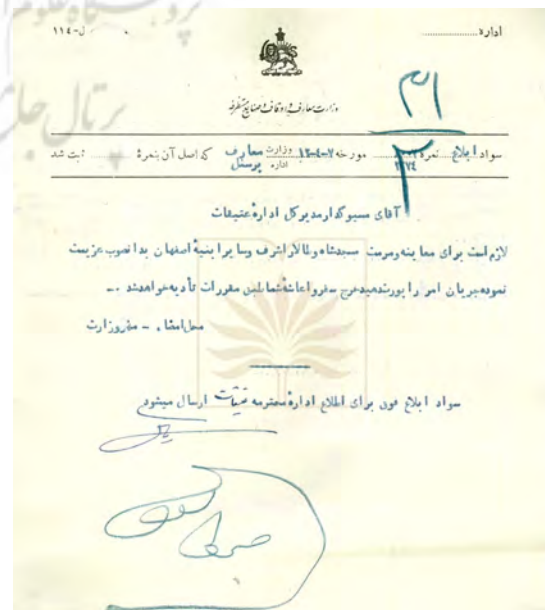
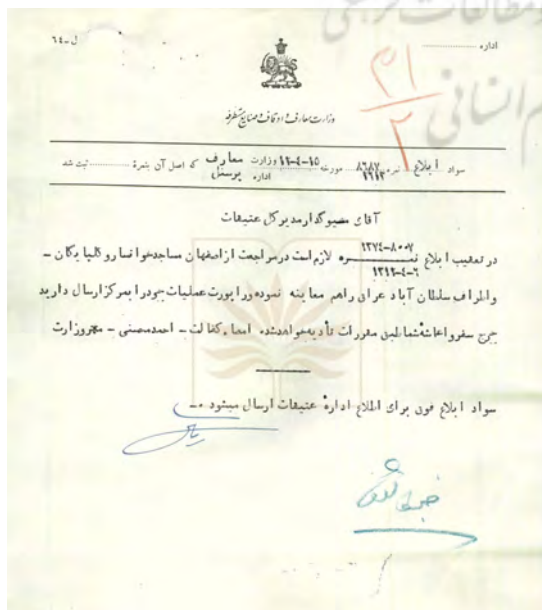
تصویر ۱- آندره گدار و همسرش یده گدار در حفاری‌های افغانستان، (پیش از ورود به ایران). ماخذ: (آذرنوش، ۱۳۸۰، ۳)

به حفاظت از آثار تاریخی، هیچ‌گونه اعتبار دولتی برای مرمت بناها در نظر نگرفته شده بود. اولین اعتباری که برای مرمت بناها در ایران تخصیص یافت، توسط سید حسن تقی‌زاده، وزیر دارایی وقت تامین شد. این مبلغ از امین‌التجار اصفهانی دریافت شد و به مرمت مسجد شاه (امام)، مسجد جامع اصفهان، ساخت آرامگاه فردوسی و انتشار کتاب اختصاص یافت (مصطفوی، ۱۳۳۴، ۴۴). در سال ۱۳۰۸، آندره گدار، مسئول مرمت مقبره شیخ صفی‌الدین اردبیلی گردید (موسوی، خانیکی و مسجد جامعی، ۱۳۸۰، ۳۸۵). همچنین در سال ۱۳۱۰، او ماموریت یافت تا از نهب‌اند به زنجان عزیمت کند، راجع به سلطانیه و مقبره محمد خدابنده تحقیق کند و سپس گزارش را به وزارت معارف ابلاغ نماید (روزنامه اطلاعات، ۱۲ مهر ۱۳۱۰). گدار در سال ۱۳۱۱، مسئول مرمت بناهای مسجد شاه (امام)، با همکاری استاد حسین معارفی، عمارت عالی قاپو و مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان گردید. برای مرمت این بناها مبلغ ۳۶۰۰۰ تومان در نظر گرفته شده بود که ۵۰۰۰ تومان از آن مبلغ را، اداره بلدی اصفهان پرداخت می‌کرد (روزنامه اطلاعات، ۱۴ مهر ۱۳۱۱). همچنین اسناد موجود در آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران نشان می‌دهد که گدار، مرمت پل‌های خواجه، سی و سه پل، تالار اشرف و چهلستون

ایران محسوب می‌شدند. به همین علت بسیاری از بناهای ارزشمند قاجار مانند ۱۲ دروازه ناصری، تکیه دولت، نیمی از کاخ گلستان، قسمت‌هایی از میدان توپخانه، پارک امین‌الدوله، مجموعه کاخ‌های فتحعلی شاه در بهارستان، باغ شهری و عمارت معیر الممالک، عمارت امیریه، عمارت و باغ امین‌الدوله و بسیاری دیگر، به علت عدم پشتوانه قانونی در برنامه‌های نوسازی رضاشاه به صورت عمدی تخریب شدند (تصویر ۳). در سال ۱۳۱۰، ۵۶ اثر، توسط گدار به ثبت رسید (افسر و موسوی، ۱۳۵۵، ۸۶). در فهرست مختصر آثار و ابنیه تاریخی ایران که در سال ۱۳۱۱ منتشر شده است، از میان ۲۴۷ اثر ثبت شده، ۸۲ اثر مربوط به دوره قبل از اسلام می‌باشد (Avery, 1965, 287). این موضوع نشان‌دهنده اهمیت بناهای دوره قبل از اسلام، به خصوص متعلق به دوره حکومت هخامنشیان و ساسانیان، برای انجمن آثار ملی بود. اگرچه تعدادی از این آثار مانند "تل بکسایه" و "سبعات خزیر" در خارج از مرزهای کنونی ایران بودند. از آنجایی‌که گدار مدیرکل اداره عتیقات و موزه‌ها بود، مسئولیت نظارت بر مرمت تعدادی از بناهای تاریخی ایران را نیز بر عهده داشت. اما با وجود ایجاد قانون و علاقه اعضای انجمن



تصویر ۳- بناها و باغ‌های متعلق به دوران قاجار، تخریب شده در دوران پهلوی؛ تصاویر از راست به چپ: تکیه دولت، سر در الماسیه (باغ گلستان)، عمارت و پارک معیر الممالک. ماخذ: (ذکاء و سمسار، ۱۳۷۶، ۱۲۲، ۱۵۳ و ۲۰۳)



تصویر ۵- سند نشان‌دهنده نقش آندره گدار در نظارت مساجد خوانسار و گلبایگان. ماخذ: (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ل-۶۴)

تصویر ۴- سند نشان‌دهنده نقش آندره گدار در مرمت تالار اشرف و دیگر بناهای تاریخی اصفهان. ماخذ: (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ل-۱۱۴)

او هیچ‌گونه مداخله‌ای نکرد. همچنین گذار از دادن بورسیه به دانشجویان ایرانی برای گذراندن دوره‌های لازم مرمت و باستان‌شناسی در فرانسه امتناع ورزید (نگهبان ۱۳۷۶، ۵۸). سند شماره ۱۳۴/۲ منتشر شده در کتاب «اسنادی از باستان‌شناسی در ایران»، نامه حسین علاء به آندره گذار را نشان می‌دهد که در آن علاء ضمن تشکر از فعالیت‌های ۲۵ ساله گذار، عنوان می‌کند که محمدرضا شاه از اینکه آموزش باستان‌شناسی در ایران توسط او مورد غفلت قرار گرفته، نگران است (موسوی، خانیکی و مسجد جامعی، ۱۳۸۰، ۱۲۴، سند شماره ۱۳۴/۲).

آرتور پوپ

در بین معماران و تاریخ‌شناسان غربی، آرتور پوپ^{۱۵} و همسرش فیلیس اکرم^{۱۶}، بیشترین نقش را در توسعه ملی‌گرایی ایران ایفا کردند. پوپ، فارغ‌التحصیل رشته فلسفه از دانشگاه هاروارد و استاد فلسفه یونان در دانشگاه برکلی^{۱۷}، به همراه همسرش، در سال ۱۹۲۵/۱۳۰۴م به دعوت حسین علاء به ایران آمدند (صدیق، ۱۳۵۳، ۵). هدف اصلی دعوت از او به ایران، تهیه عکس و مستندات تاریخی از بناها و محوطه‌های تاریخی متعلق به قبل و بعد از اسلام بود (Grigor, 2004, 39). در دوم اردیبهشت سال ۱۳۰۴، پوپ نخستین سخنرانی رسمی خود را با عنوان «گذشته و آینده تاریخ هنر ایران» در مقابل رضاخان و نماینده‌های مجلس، اعضای انجمن آثار ملی و مقامات رسمی، در خانه سردار اسعد ایراد نمود. در این سخنرانی، پوپ، ایران را جزء اولین تمدن‌های پیشرو در فرهنگ و هنر می‌دانست و معتقد بود «هیچ مملکت متمدنی نیست که مجموعه‌ای از آثار ایران را نداشته باشد». او عقیده داشت که تمام هنر جهان از چین و ژاپن تا روم از هنر ایرانی بهره‌مند گردیده‌اند.

پوپ در سخنرانی‌اش، از موزه‌های سوریه، ترکیه، قاهره و افغانستان نام برد که بسیاری از ذخایر گرانبهای ایران در آنها نگهداری می‌شود و از اینکه در ایران که «خود در اغلب ایجاد هنرهای اسلامی مادر و الهام‌بخش بوده است، بدون مجموعه مهمی از کارهای بزرگ خود می‌باشد» اظهار تاسف کرد (پوپ، ۱۳۵۰، ۵۴). از نظر او بدون داشتن موزه، امکان ادامه فرهنگ ایرانی ممکن نبود. در ادامه سخنرانی، یادآور می‌شود که یکی از عوامل مهم ایجاد هنر در ایران، «شاهان بزرگ چون کوروش و خشایار و اردشیر و شاه عباس بودند که بزرگ‌ترین هنرمندان را از گوشه و کنار فرا خواندند» (همان، ۲۹). پوپ ادامه می‌دهد که هنر ایران در اثر ارتباط با غرب در قرن نوزدهم میلادی رو به انحطاط رفته است و آنچه از نفوذ اروپا با سلیقه بد آن به ایران رسیده، در زمانی بوده است که هنر اروپا در درجه انحطاط بوده است. او فتحعلی‌شاه را پادشاهی «بی‌ذوق و بی‌سلیقه» معرفی کرد که در دوران او هنر ایران به سرعت به انحطاط رفت و بناهای قاجار را فاقد ارزش هنری می‌دانست. به نظر او آخرین بنای با ارزش ایران، مدرسه مادر شاه اصفهان بود که در زمان صفویه ساخته شده بود. همچنین پوپ از اهمیت

را نیز شخصاً نظارت می‌کرد (تصویر ۴). روزنامه اطلاعات ۱۳۱۱ گزارش می‌دهد که «چون تالار اشرف، یکی از عمارات مهم تاریخی اصفهان رو به خرابی گذارده بود و بیم آن می‌رفت که منهدم شود، اخیراً که مسیو گذار به اصفهان اعزام شده، مسئول ترمیم عمارت تاریخی مزبور شده، تعمیرات مزبور به عهده اعتبار امین‌التجار اصفهانی، مبلغ ۳۰۰۰ اشرافی به گذار واگذار نمودند» (روزنامه اطلاعات، ۳۰ مهر ۱۳۱۱). او هم چنین مقبره امامزاده یحیی را به درخواست عیسی صدیق بازسازی نمود (صدیق، ۱۳۵۳، ۵۳) و مسئولیت ثبت و مرمت مسجد جامع گرگان، بقعه پیر بکران در لنجان، مدارس چهار محال و سمیرم، مساجد خوانسار و گلپایگان را نیز بر عهده داشت (تصویر ۵). بنا به گفته عبد‌الکریم پیرنیا، در بسیاری از موارد مصطفوی و بهرامی مسئولیت بازدید و بررسی بناها را داشتند و با آندره گذار همکاری نزدیک داشتند (قلم سیاه، ۱۳۸۱، ۳۴۱).

انجمن آثار ملی به دلیل مشکلات سیاسی و همزمانی با جنگ جهانی دوم، بعد از برپایی کنگره فردوسی یعنی از سال ۱۳۱۳ تا سال ۱۳۲۳، فعالیتی نداشت. در این مدت بعضی از اعضای انجمن از جمله حسن پیرنیا، محمد علی فروغی و شاهرخ، حسن مستوفی، تیمورتاش در قید حیات نبودند (مجموعه انتشارات قدیم انجمن، ۱۳۵۵) و یا تعدادی دیگر به دلیل اختلافات سیاسی با رضاخان، مجبور به ترک ایران شده بودند. در سال ۱۳۲۳، انجمن بعد از وقفه‌ای ۱۰ ساله، به مناسبت ساختن آرامگاه ابن سینا، در خانه عیسی صدیق تشکیل جلسه می‌دهد (صدیق، ۱۳۵۳). اسناد فرانسوی^{۱۸} نشان می‌دهد که در همان سال ۱۳۲۳، آندره گذار درخواست استعفای خود را به سفارت فرانسه می‌دهد (Grigor, 2005, 345). در بیانیه‌ای با عنوان «الویت قطعی»^{۱۹} دولت فرانسه پیشنهاد جایگزینی گریشمن^{۲۰}، دیکالکم^{۲۱} و یا شلوبمگر^{۲۲}، را با گذار می‌دهد، اما تأکید می‌کند که گذار استعفا ندهد. گذار به علت اینکه شخصی غیرفرانسوی جایگزین شغل او نشود، از استعفای خود صرف‌نظر می‌کند^{۲۳} (همان). در اولین جلسه انجمن، اصغر حکمت به عنوان رئیس انجمن و آندره گذار به سمت نایب رئیس انجمن انتخاب می‌گردند (صدیق، ۱۳۸۲، ۴۸). شاید به همین علت است که با وجود اتمام قرارداد ۲۰ ساله گذار، وزارت فرهنگ قرارداد او را به مدت پنج سال دیگر و با حقوق ماهیانه ۱۰۰۰ دلار تمدید می‌کند (موسوی، خانیکی و مسجد جامعی، ۱۳۸۰، سند شماره ۲۷/۳). در لایحه تجدید استخدام آندره گذار در سال ۱۳۲۳، به پیشنهاد عیسی صدیق، آثار صنعتی که در دوره قاجار جنبه عمومی داشتند، نیز مشمول قانون عتیقات شدند (صدیق، ۱۳۵۳، ۳۶۲). بنابراین با تصویب این قانون، از روند تخریب بناهای قاجار تا حدی کاسته شد.

اگرچه به گفته عزت‌الله نگهبان، گذار به تمامی تعهدهایش در قبال حفاظت از آثار ثبت شده ملی پایبند نبود و در مواقع ضروری از اقدام به حفظ آثار موجود مضایقه می‌نمود. به عنوان مثال، در زمانی که "قطع بازار وکیل شیراز صورت می‌گرفت"، اقدام موثری انجام نداد. همچنین هنگامی که بناهای صفی‌آباد، اشرف و ساری به بهانه خیابان‌کشی و تعمیرات، تصرفات بی‌جا می‌شد،

هیات اعزامی موزه لوور فرانسه، که عملیات شناسایی آثار تاریخی را برعهده داشتند، به ایران آمد (کیانی، ۱۳۸۳، ۲۲۰). او به پیشنهاد آندره گدار به وزیر وقت معارف، جهت تهیه نقشه‌های جامع، نقشه‌های اجرایی، طرح‌های فنی و همچنین نظارت بر امور ساختمانی دانشگاه تهران و موزه ایران باستان، استخدام گردید. سیرو، در برنامه‌های بازسازی رضاخان شرکت نمود و به علت علاقه‌ای که به معماری سنتی ایران داشت، در پروژه‌های مرمت و بازسازی مساجد قم و یزد نیز همکاری کرد (معرفت، ۱۳۷۵، ۱۱۵). مرمت و تعمیر بنای آتشکده نیاسر و گنبد آن در کاشان نیز توسط او انجام گرفت. اگرچه او بعدها مانند دیگر غربی‌ها، به طراحی ساختمان‌های مدرن در تهران پرداخت، اما در طرح‌های خود از عناصر معماری سنتی ایران بهره می‌جست. به عنوان مثال، طراحی آرامگاه حافظ در شیراز، که اشتباهاً به آندره گدار نسبت داده می‌شود، یکی از ماندگارترین آثار سیرو در ایران می‌باشد^{۳۱} (Grigor, 2009). سیرو در سال ۱۳۲۵ ایران را ترک نمود، اما در سال ۱۳۳۷، برای احیای یک کاروانسرای قدیمی در اصفهان به هتل شاه عباسی، دوباره به ایران بازگشت و همزمان به جمع‌آوری اطلاعات برای نوشتن کتاب راه و بناهای قدیمی جاده‌های منطقه اصفهان پرداخت. محمدرکیم پیرنیا بر این عقیده بود که ماکسیم سیرو، ایران را از دیگر محققان خارجی بهتر می‌شناخت و کتاب «کاروانسراهای ایران»، اثری ارزشمند از او در حوزه معماری ایران می‌باشد (قلم‌سیاه، ۱۳۸۱، ۳۴۳).

باستان‌شناسان و معماران غربی در دوران محمدرضا پهلوی (۱۳۵۷-۱۳۴۶)

در زمان حکومت محمدرضا پهلوی (۱۳۵۷-۱۳۴۶)، با بازگشت معماران ایرانی تحصیل‌کرده در دانشگاه‌های آمریکایی و ایتالیایی، تفکر غالب غرب‌گرا و یا باستان‌گرا که که توسط فارغ‌التحصیلان مدرسه بوزار پاریس و یا معماران غربی گسترش پیدا کرده بودند، تغییر جهت پیدا کرد. برخلاف گروه روشنفکران در دوره رضاخان، که غرب و دوران قبل از اسلام در ایران را الگویی برای پیشرفت می‌دیدند و ظهور دین اسلام را عاملی برای عدم رشد فرهنگ و تمدن ایرانی می‌دانستند، گروه جدید بر لزوم حفظ معماری بومی و سنت‌های اسلامی-ایرانی به عنوان میراث فرهنگی تاکید داشتند. از آنجایی که بیشتر تحقیقات منتشر شده مربوط به معماری و باستان‌شناسی دوران قبل از اسلام بود و توسط غربی‌ها نوشته شده بود، در این دوره فعالیت‌هایی برای مستندسازی و ثبت بیشتر بناهای دوره اسلامی توسط معماران ایرانی انجام گرفت (Ardalan, 2000; Grigor, 2009).

از این رو، آندره گدار و دیگر طراحان غربی دوران رضاشاه مجبور شدند جای خود را به معماران و باستان‌شناسان ایرانی دهند. ماکسیم سیرو در سال ۱۳۴۳ ایران را ترک نمود. گدار نیز که در آن زمان همچنان مسئول موزه ایران باستان بود، بر اثر عدم تخصیص بودجه کافی و فساد مالی همکارانش، دوباره استعفای خود را به سفارت فرانسه تقدیم کرد. اگرچه، قرارداد او تا دو سال

بناهای تاریخی اصفهان سخن گفت و از بروز شکستگی در مسجد شاه (امام) و شیخ لطف‌الله ابراز تأسف کرد (صفایی، ۱۳۵۶، ۵۳). متن این سخنرانی به توصیه حسین علاء، توسط عیسی صدیق برای استفاده معلمین تاریخ و تدریس در مدارس کشور به فارسی ترجمه گردید.

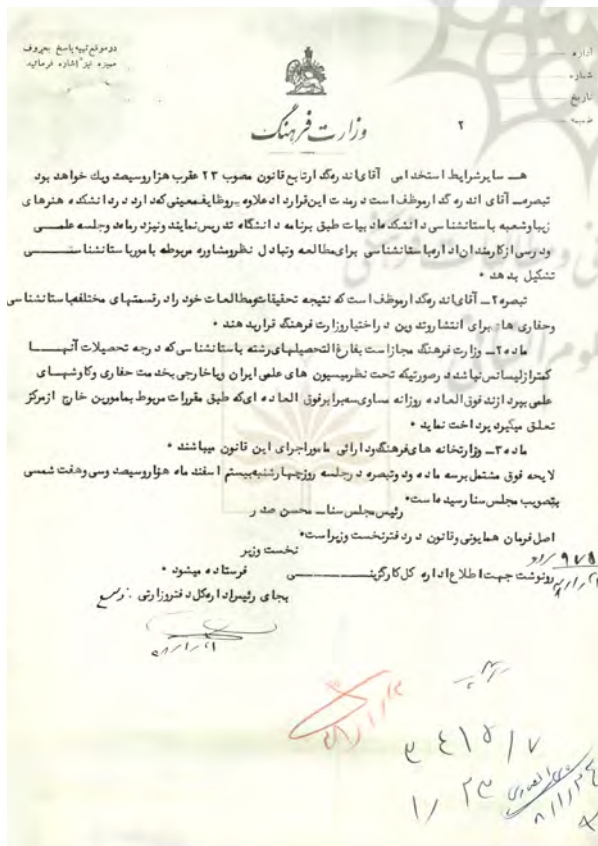
پوپ اگرچه در مرمت بناهای تاریخی مشارکت مستقیم نداشت، اما بنا به گفته عیسی صدیق، سخنرانی او زمینه‌ای را برای آغاز اقدامات مهمی در زمینه فرهنگ و هنر ایران فراهم نمود. پس از ایراد این سخنرانی، مدارس هنر در سطح کشور تاسیس گردید و تعدادی از بناهای تاریخی مرمت شدند. موزه‌ها افتتاح شدند و کارگاه‌هایی برای احیای دوباره زری بافی، خاتم‌کاری، قالی بافی و کاشی‌کاری برپا گردید (پوپ، ۱۳۵۰، ۶۷). همچنین به پیشنهاد پوپ، کنگره‌های بین‌المللی هنر و باستان‌شناسی ایران در خارج از کشور برپا می‌گردید^{۳۲}.

دونالد ویلبر نیز عنوان می‌کند که در حین ایراد سخنرانی پوپ بود که شکوه و عظمت گذشته تاریخ ایران برای رضاخان روشن گردید (Lenczowski, 1978; Wilber, 1975). رضاخان تنها سه روز پس از سخنرانی پوپ به اصفهان سفر کرد و به مشارکت دوله حکمت، استاندار اصفهان، دستور مرمت و تعمیر مساجد را داد (صفایی، ۱۳۵۶، ۵۳). سند شماره ۶۲/۱ نشان می‌دهد، پوپ به عنوان اولین نفر غیرمسلمان، از تیمورتاش، وزیر دربار، برای تهیه نقشه و عکس، اجازه ورود به مساجد اصفهان را یافت (موسوی، خانیکی و مسجدجامعی، ۱۳۸۰، ۱۹۶) و بدون شک به پیشنهاد او بود که بناها و مقابر مذهبی به عنوان اثر تاریخی به روی توریست و بازدیدکنندگان غیرمسلمان باز گردید. مسجد امام (شاه)، اولین بنایی بود که برای بازدیدکنندگان خارجی باز شد، که این کار باعث خشمگین شدن علما و روحانیون گردید. همچنین مصطفوی بیان می‌کند که پوپ برای تشویق تاجراصفهانی برای مرمت بناهای تاریخی، به او آثار گچ‌بری نفیس یکی از بناهای خارج از اصفهان را نشان می‌دهد و تاجر به پوپ مبلغ ۱۰۰۰ ریال می‌دهد تا جلوی خرابی آن را بگیرد (مصطفوی، ۱۳۳۴، ۷۳). پوپ و همسرش نیز با تالیف ۱۲ جلدی کتاب «بررسی هنر ایران از پیش از تاریخ تا به امروز»، ایجاد انجمن ایران-آمریکا در سال ۱۳۰۶/۱۹۲۸ م. و برگزاری نمایشگاه‌ها و کنگره‌های متعدد بین‌المللی، نقش مهمی را در شناساندن هنر و تمدن ایرانی به جهان غرب داشتند. همچنین در کنگره چهارم (۱۳۳۹) در نیویورک که با همکاری پوپ برگزار شده بود، پیشنهاد گردید بناهای با ارزش قاجار که جنبه عمومی نیز نداشته باشند، ثبت شوند که در سال ۱۳۵۲ این ماده قانونی نیز به تصویب رسید. اگرچه، سخنرانی‌های پوپ نیز درباره انحطاط هنر دوره قاجار، یکی از دلایل احتمالی حذف بناها و آثار تاریخی دوران قاجار از «قانون عتیقات»، می‌تواند قلمداد گردد.

ماکسیم سیرو

ماکسیم سیرو^{۳۰} به عنوان باستان‌شناس در سال ۱۳۱۰، با

دیگر، یعنی تا سال ۱۳۳۸ تمدید گردید (تصویر ۶).
 گذار به پاس تلاش‌هایش در خصوص تشکیل دانشکده هنرهای زیبا و تأثیر او در معماری مدرن ایران در سال ۱۳۳۵، موفق به دریافت دکترای افتخاری از دانشگاه تهران شد. اما سرانجام در سال ۱۹۶۱/۱۳۴۰ م. بدون برگزاری مراسم رسمی برای قدردانی از خدمات ۳۲ ساله‌اش، ایران را ترک نمود (Grigor, 2005, 445). این رویداد نشان‌دهنده حرکت جنبش معماران ایرانی برای مقابله با نفوذ معماران و باستان‌شناسان غربی بود. اگرچه صدیق، بیان می‌کند که بعد از استعفای گذار، همچنان به دنبال جانشین اروپایی یا آمریکایی برای او بود و مقرر می‌گردد که همیلتون^{۲۲}، رئیس موزه آکسفورد برای تصدی شغل گذار به ایران بیاید که با برکناری صدیق، این کار به سرانجام نمی‌رسد (صدیق، ۱۳۵۳، ۳۷۷) و سید محمد تقی مصطفوی تا سال ۱۳۳۷ رئیس اداره کل باستان‌شناسی باقی می‌ماند (ملک شهیری، ۱۳۶۵، ۱۴۱). گذار بعد از ترک گفتن ایران مشغول به نوشتن کتاب «آثار ایران» شد. او در سن ۶۵ سالگی در فرانسه درگذشت. همانطور که اشاره شد، ارنست هرتسفلد نیز بعد از ترک ایران در سال ۱۳۱۴، ابتدا به لندن و سپس به آمریکا می‌رود. او بین سال‌های ۱۳۱۴/۱۹۳۶ م. و ۱۳۲۲/۱۹۴۴ م. به موسسه‌ای در دانشگاه پرینسون آمریکا می‌پیوندد و بسیاری از مقالات ارزشمند او راجع به تاریخ ایران منتشر می‌گردد (Gunter & Hauser, 2005).



تصویر ۶- سند تمدید قرارداد استخدام آندره گذار تا سال ۱۳۳۸. ماخذ: (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره: ۴۳/۳۴۶)

نتیجه

این افراد در طی نیم قرن گذشته و سوء استفاده‌های سیاسی-تبلیغاتی شاهان پهلوی از بناهای تاریخی، باعث ایجاد جدایی مردم از میراث فرهنگی گردید. شاید به همین دلیل است که تا مدت‌ها بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، اتباع خارجی در سازمان میراث فرهنگی کشور به همکاری گرفته نشده‌اند. اگرچه، با وجود تأثیرات منفی‌ای که حضور این کارشناسان غربی در پی داشت، با همکاری این افراد مانند آندره گدار با دیگر اعضای انجمن آثار ملی بود که اولین قانون‌های حفاظتی برای مرمت و ثبت بناهای تاریخی تدوین گردید. همچنین حفاظت و مرمت بسیاری از بناهای با ارزش تاریخی، بر پایه تحقیقات ارزشمند و یا تحت نظارت این کارشناسان غربی انجام می‌گرفت.

در این مقاله با استناد به مدارک تاریخی که تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته بود، به واکاوی نقش معماران و باستان‌شناسان غربی در مرمت و حفاظت بناهای تاریخی ایران پرداخته شد. با توجه به مطالب بیان شده می‌توان تصریح نمود که این افراد با تأکید بر اهمیت بناها و آثار تاریخی، نقش مهمی را در سیاست‌های اعمال شده دولت مردان دوران پهلوی در خصوص حفاظت بناهای تاریخی ایفا می‌کردند. همچنین بازخوانی داده‌های اولیه و ثانویه نشان داد، این شرق‌شناسان غربی در حذف آثار تاریخی دوره قاجار از «قانون عتیقات»، و با خروج و قاچاق بسیاری از آثار با ارزش ایرانی به موزه‌های اروپا و آمریکا، نقش داشته‌اند. نظارت مستقیم بر امور میراث فرهنگی به مدت سی سال و غیرمستقیم

پی‌نوشت‌ها

۱ مشخص می‌کند که چگونه این سخنرانی به عنوان کتاب درسی صنایع ایران بین مدارس توزیع گردد.

۱۹ کنگره اول در فیلادلفی آلمان: ۱۳۰۶، کنگره دوم در لندن: ۱۳۰۹، کنگره سوم در گراد و مسکو: ۱۳۱۴، کنگره چهارم در نیویورک: ۱۳۳۹، کنگره پنجم در شیراز: ۱۳۴۷.

20 Maxime Siroux.

۲۱ برای جزئیات بیشتر در خصوص طراحی و اجرای آرامگاه حافظ ر.ک. Grigor, T. (2009). *Building Iran: modernism, architecture, and national heritage under the Pahlavi monarchs*. New York, Periscope Publishing, distributed by Prestel.

22 Hamilton.

۲۳ عزت‌الله نگهبان عنوان می‌نماید که همیلتون خود از قبول مسئولیت خودداری می‌نماید (نگهبان، ۱۳۷۶، ۱۴).

۲۴ برای جزئیات بیشتر در مورد چگونگی طراحی و اجرای آرامگاه پوپ در اصفهان ر.ک.

Grigor, T. (2009). *Building Iran: modernism, architecture, and national heritage under the Pahlavi monarchs*. New York: Periscope Publishing, distributed by Prestel.

25 Archives of French Ministry of foreign affairs, Asie 1944-1955, Iran 40, Relation Culturless, E45-1 055, 'activites americaines', January 12, 1948, Tehran.

فهرست منابع

- آذرنوش، مسعود (۱۳۸۰)، پژوهش‌های باستان‌شناسی فرانسه در ایران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، تهران.
- آزاد فرا، یژمان (۱۳۸۶)، *خاطرات اشرف پهلوی*، انتشارات به آفرین، تهران.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۳)، *چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه*، به کوشش ایرج افشار، انتشارات اساطیر، تهران.
- افسر، کرامت‌الله؛ موسوی، احمد (۱۳۵۵)، *پاسداری از آثار باستانی در عصر پهلوی*، انتشارات وزارت فرهنگ و هنر، تهران.
- بحرالعلوم، حسین (۱۳۵۵)، *کارنامه انجمن آثار ملی از آغاز تا ۲۵۳۵*

1 Primary Data.

2 Ernst Herzfeld.

۳ هنگامی‌که که هرتسفلد به مدت شش هفته در تخت جمشید اقامت داشت، فیروز میرزا نصرت‌الدوله والی فارس و یکی اعضای هیات مؤسس انجمن، از او درخواست کرده بود تا گزارشی برای دولت ایران در خصوص وضعیت تخت جمشید، طرحی مربوط به حفاظت آن، طول مدت خاک‌برداری و وضع عمومی آن تهیه کند. لازم به ذکر است این گزارش توسط مجتبی مینوی ترجمه گردیده است (مصطفوی، ۱۳۳۴، ۴۱).

۴ این قرارداد در زمان وزارت سید محمد تدین لغو می‌گردد (صدیق، ۱۳۳۸، ۳۵۳)

5 Andre Godard.

6 Persia.

7 Iran.

۸ بدون شک نفرت رضاخان از پادشاهان قاجار مهم‌ترین نقش را در تخریب عمده کاخ‌ها و بناهای دوران قاجار داشت. در خاطرات همسر رضا خان اشاره می‌شود که تاج الملوک گاهی با تخریب ساختمان‌های نفیس (قاجار) مخالفت می‌نماید ولی رضاخان در جواب می‌گفت «هرچه که مردم را به یاد دودمان قاجار ببیند باید خراب شود تا جلوی چشم مردم نباشد» (آزادفرا، ۱۳۸۶، ۱۶۴).

9 Archives of French Ministry of foreign affairs, Asie 1944-1955, Iran 42, Mission Archeologique E 45-3 047, October 20, 1946.

10 'Absolute Priority'.

11 Grishmann.

12 Decalquenem.

13 Schlumberger.

14 Archives of French Ministry of foreign affairs, Asie 1944-1955, Iran 42, Mission Archeologique E 45-3 009, March 9, 1945.

15 Arthur Pope.

16 Phyllis Ackerman.

17 University of California, Berkeley.

۱۸ برای متن کامل انگلیسی و فارسی سخنرانی پوپ ر.ک. پوپ، آرتور (۱۳۵۰)، هنر ایران در گذشته و حال، به قلم دکتر عیسی صدیق، انتشارات مدرسه عالی خدمات جهانگردی و اطلاعات، تهران. سند شماره ۲۷۹۵۲/۲۹۷

- ملک شهیری، صادق (۱۳۶۵)، اشاره‌ای مختصر بر تحول باستان‌شناسی در ایران، مجله اثر، شماره ۱۴، ۱۳، ۱۲، صص ۱۳۳-۱۶۰.
- موسوی، سیدحسین؛ خانیکی، هادی؛ مسجدجامعی، احمد (۱۳۸۰)، اسنادی از باستان‌شناسی در ایران (حفریات، عتیقات و بناهای تاریخی)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، تهران.
- نگهبان، عزت‌الله (۱۳۷۶)، مروری بر پنجاه سال باستان‌شناسی ایران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
- Abdi, K (2001), Nationalism, politics, and the development of archaeology in Iran, *American journal of archaeology*, 105 (1): 51-76.
- Abrahamian, E (1982), *Iran Between two Revolutions*, Princeton University Press, Princeton, N.J.
- Ardalan, N (2000), Architecture VII. Pahlavi, After World War II. In E. Yarshater (Ed.), *Encyclopedia Iranica* (1992-2001), Bibliotheca Persica Press, New York.
- Avery, P (1965), *Modern Iran*, Benn, London.
- Avery, P; Hambly, G; Melville, C (Eds.). (1991), *The Cambridge history of Iran: From Nadir Shah to the Islamic Republic* (Vol. 7), Cambridge University Press, Cambridge.
- Bell, J (1999), *Doing your Research Project: a guide for first-time researchers in education and social science* (3 ed.), Open University Press, Buckingham.
- Curzon, G. N (1966), *Persia and the Persian question*, Frank Cass, London.
- Grigor, T (2009), *Building Iran: modernism, architecture, and national heritage under the Pahlavi monarchs*. Periscope Publishing, distributed by Prestel, New York.
- Grigor, T (2005), *Cultivat(ing) modernities: the Society for National Heritage, political propaganda and public architecture in twentieth-century Iran*, (Doctoral thesis), Massachusetts Institute of Technology.
- Grigor, T (2004), (Re) Framing Rapid Modernities: American Historians of Iranian Architecture, Phyllis Ackerman and Arthur Pope, *AR-RIS*, 15, 38-54.
- Gunter, A. C; Hauser, S. R (Eds.) (2005), *Ernst Herzfeld and the Development of Near Eastern Studies, 1900-1950*, Brill, Leiden and Boston
- Lenczowski, G (1978), *Iran under the Pahlavis*: Hoover Institution Press, Stanford.
- Wilber, D. N (1975), *Reza Shah Pahlavi: The Resurrection and Reconstruction of Iran*, Exposition Press, Hicksville.
- شاهنشاهی ۱۳۱۱، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی (۱۳۱)، تهران.
- پوپ، آرتور (۱۳۵۰)، هنر ایران در گذشته و حال، به قلم دکتر عیسی صدیق، انتشارات مدرسه عالی خدمات جهانگردی و اطلاعات، تهران.
- ذکاء، یحیی؛ سمسار، محمد حسن (۱۳۷۶)، تهران در تصویر، جلد دوم، سروش، تهران.
- روزنامه اطلاعات، ۳ تیر ۱۳۰۶، شماره ۲۶۲، سال دوم.
- روزنامه اطلاعات، ۱۲ مهر ۱۳۱۰، شماره ۱۴۳۲، سال ششم.
- روزنامه اطلاعات، ۱۴ مهر ۱۳۱۱، شماره ۱۷۲۳، سال هفتم.
- روزنامه اطلاعات، ۳۰ مهر ۱۳۱۱، شماره ۱۷۳۶، سال هفتم.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ساختمان آرشیو ملی، تهران.
- شفا، شجاع‌الدین (۱۳۵۶)، گاهنامه پنجاه ساله شاهنشاهی: فهرست روز به روز وقایع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران (۱۲۹۹ تا ۳۰ اسفند ۱۳۵۵)، جلد اول تا چهارم، انتشارات سهیل، پاریس.
- صدیق، عیسی (۱۳۳۸)، تاریخ فرهنگ ایران از آغاز تا زمان معاصر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- صدیق، عیسی (۱۳۵۲)، یادگار عمر، جلد چهارم، انتشارات دهخدا، تهران.
- صدیق، عیسی (۱۳۵۳)، یادگار عمر، جلد سوم، انتشارات وزارت فرهنگ و هنر، تهران.
- صفایی، ابراهیم (۱۳۵۶)، رضا شاه کبیر و تحولات فرهنگی ایران، انتشارات وزارت فرهنگ و هنر، تهران.
- صمدی، یونس (۱۳۸۲)، میراث فرهنگی در حقوق داخلی و بین‌الملل، جلد اول و دوم، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، تهران.
- قلم‌سیاه، اکبر (۱۳۸۱)، یادنامه استاد کریم پیرنیا (۱۳۷۶-۱۳۰۱)، بنیاد مرحوم پیرنیا، دانشگاه یزد، یزد.
- کیانی، مصطفی (۱۳۸۳)، معماری دوره پهلوی اول: دگرگونی اندیشه‌ها، پیدایش و شکل‌گیری معماری دوره بیست ساله معاصر ایران، موسسه فرهنگی پژوهشی چاپ و نشر نظر، تهران.
- گروت، لیندا؛ وانگ، دیوید (۱۳۸۶)، روش‌های تحقیق در معماری، ترجمه دکتر علیرضا عینی‌فر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- مجموعه انتشارات قدیم (۱۳۵۱)، سلسله انتشارات قدیم انجمن آثار ملی (۹۲)، تهران.
- مصطفوی، محمد تقی (۱۳۳۴)، تلاش در راه خدمت به آثار ملی و امید به آینده، چاپ بانک ملی ایران، تهران.
- مقتدر، غلامحسین (۱۳۳۵)، اسرار تخت جمشید، جلد اول، چاپخانه مجلس، تهران.
- معرفت، مینا (۱۳۷۵)، "پیشکسوتانی که به ایران مدرن شکل دادند"، در تهران پایتخت دویست ساله، زیر نظر شهیار عدل و برنارد اورکاد، سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران، انجمن ایران‌شناسی فرانسه، صص ۱۰۳-۱۳۷.

The Role of Western Archaeologists and Architects in Restoration of Historical Buildings during the Pahlavi Era, Iran (1925-1979)

Sara Mahdizadeh¹, Pirooz Hanachee²

¹Assistant Professor, Department of Architecture, Urbanism and Islamic Art, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

² Professor, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran.

(Received 30 Jan 2016, Accepted 23 Nov 2016)

In Iran, discourse on cultural heritage politically started to burgeon during the 1930s by efforts of enlightened thinkers (*roshanfekran*) and Western Orientalists. By the rise of Reza Shah in 1925 and during the Pahlavi epoch (1925-1979), the Western archaeologists or architects were closely engaged in cultural heritage affairs, which effectively manipulated the concept of Iranian nationalism particularly through focusing on the pre-Islamic heritage. While, in a few publications the foreigners' contribution and the activities of Western archeologists was studied under archaeological light, in this paper, for the first time, the fundamental role of Western Orientalists regarding conservation of architectural heritage will be scrutinized. Thorough applying interpretive-historical research method, and investigating the primary sources, this paper will survey about the role of Western men in built heritage affairs during the Pahlavi era, in Twentieth Century Iran. To this end, the letters, books, speeches, and unpublished memoirs of either enlightened thinkers or influential members in charge of the National Heritage Society have been referred to, in this study, with careful consideration given to their conflicting viewpoint against the Qajar rulers. Some of these men were: Isa Sedigh (1945-1970s), Arthur Pope (1925-1970s), and Andre Godard (1931-1960s). Other primary sources benefiting this study include: government documents; legislative documents of the National Heritage Society (NHS); unpublished memos; diaries; archival materials; old newspapers and library sources. These materials have been collected from four major libraries and archives in Iran. These included the Iranian Cultural Heritage Organization Document Centre in Tehran; the Library and Archive Centre of the University of Tehran; Malek National Library and Mu-

seum Institution in Tehran; National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran in Tehran; and Organization of Libraries, Museums and Document Centre of Astan Quds Razavi in Mashhad. At the first stage of this research, the attitudes of the Qajar kings towards historical buildings and heritage will be reviewed. Moreover, the reasons behind the erection of the National Heritage Society and the involvement of Western Orientalists will be explained. At the second stage, the impacts of Western Orientalists on Pahlavi's policy regarding restoration of historical buildings will be scrutinized. The focus of this paper is to elaborate the involvement of four key people namely: Ernst Herzfeld, André Godard, Arthur Upham Pope and Maxime Siroux. The paper will deal with of how these men were invited by the key members of National Heritage Society (*Anjoman-e Asar-e Mellî*), and how they were involved in restoration projects. This paper will also examine their approach or activities regarding built heritage in Iran that simply slipped into neglect after the Islamic Revolution of 1979. Having studied the under-researched and unpublished materials that have been gathered from the extensive documentary and archival sources, the result of this research illuminates the various aspects of Western orientalist involvement in terms of conservation or destruction of cultural heritage in Twentieth Century Iran.

Keywords: Restoration, Historical Buildings, National Heritage Society, Western Orientalists, Pahlavi Era.